

آیا دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران ادراک انصاف زنان
را پیش بینی می کند؟

Can Husband's Perspective-Taking, Egalitarian Ideology and Sacrifice
Behaviors Predict Wife's Perception of Equity?

Reza Khojastehmehr
Hasan Nokarizi
Khadijeh Shiralinia

رضا خجسته مهر*
حسین نوکاریزی**
خدیدجه شیرالی نیا***

Abstract

Perception of equity is considered as one of the determinant factors of relationship satisfaction within couples. Can husband's perspective-taking, egalitarian ideology and sacrifice behaviors have an influence on women's Perception of Equity? In response to this question, the present study was designed. All participants (244 females) were asked to complete the Other Dyadic Perspective-Taking Scale (ODPT), the Egalitarian Gender Ideology Scale (EGIS), the Perception of Sacrificing Behaviors Measure (PSBM) and the Perception of Equity Measure (PEM). The results showed that the husband's perspective-taking and sacrifice behaviors had a significantly positive correlation with wife's perception of equity, whereas husband's egalitarian ideology had a significantly negative correlation with wife's perception of equity. The results of multiple regression also showed that husband's perspective-taking, egalitarian ideology and sacrifice behaviors explained 26 percent of the total variance in wife's perception of equity.

KeyWords: perspective-taking, egalitarian ideology, sacrifice behaviors, perception of equity

چکیده

ادراک انصاف، یکی از متغیرهای تعیین کننده خشنودی زوجین از رابطه است. آیا دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران می توانند ادراک انصاف زنان را تحت تأثیر قرار دهند؟ پژوهش حاضر، در پاسخ به این پرسش رابطه‌ی بین دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان را مورد بررسی قرار داد. از شرکت کنندگان در پژوهش (۲۴۴ زن) خواسته شد که مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT)، مقیاس ایدئولوژی برابری جنسیتی (EGIS)، سنجه ادراک رفتارهای فداکارانه (PSBM) و سنجه ادراک انصاف (PEM) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه فهمی، رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی مثبت و معنادار و برابرنگری شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی منفی معنادار دارند. همچنین نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای پیش بین دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران ۲۶ درصد واریانس متغیر ادراک انصاف زنان را تبیین می کنند.

واژه های کلیدی: دیدگاه فهمی، برابرنگری، رفتارهای فداکارانه، ادراک انصاف

khojasteh_r@scu.ac.ir

* دانشیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

*** استادیار گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است. به نظر می‌رسد تأثیر متقابل این عوامل در موفقیت و پایداری ازدواج نقش بسزایی دارد (لوکه و ویلیامسون، ۱۹۸۵). همچنین خانواده به عنوان اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر پویای ساختارهای اجتماعی هر جامعه در نظر گرفته شده است (خجسته مهر، ۱۳۸۴). بر این اساس دستیابی به جامعه سالم در گرو سلامت خانواده است و نیز تحقق سلامت خانواده مشروط به سلامت روانی بین اعضای آن و داشتن روابط سالم و سازگار با یکدیگر به‌ویژه بین زوجین است. در همین زمینه ادراک انصاف^۱ یک عامل بسیار مهم و حیاتی در روابط سالم در نظر گرفته شده است، که اگر در روابط زناشویی وجود نداشته باشد، تبعات جبران‌ناپذیری برای فرد، خانواده و جامعه به همراه خواهد داشت چرا که انسان‌ها همواره خواستار روابط منصفانه هستند (لامبرت، ۲۰۰۳). امروزه تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب تغییر ساختار خانواده و الگوی روابط و اعضای آن با یکدیگر و به تبع آن زن و شوهر شده (سولیوان، ۲۰۰۸) که نتیجه این امر تمایل بیشتر زن به انصاف و عدالت^۲ در روابط زناشویی بوده است. اهمیت انصاف و توجه به آن بیش از پیش احساس می‌شود تا جایی که پژوهش‌ها نشان داده حجم زیادی از ناراحتی‌ها و فشارهای روانی در زندگی زناشویی ناشی از عدم انصاف در روابط زوجین است (دماریس، ۲۰۰۷؛ پری، ۲۰۰۴). در واکنش به اهمیت موضوع انصاف و عدالت و اثرات آن در زندگی زناشویی به ویژه برای زنان، مطالعات زیادی صورت گرفته است. با این وجود، پژوهش‌ها از عواملی که ادراک انصاف زنان را در زندگی زناشویی ایجاد می‌کنند، غافل مانده‌اند. از مهمترین عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز ادراک انصاف زنان شود، دیدگاه فهمی^۳، برابرنگری^۴ و رفتارهای فداکارانه^۵ شوهران است.

به نظر می‌رسد که انسان‌ها بدون هیچ‌گونه ظرفیتی به دنیا می‌آیند اما در عوض در طول چند سال اولیه زندگی به طور چشمگیری این توانایی و ظرفیت‌ها رشد و توسعه پیدا می‌کنند (کالاها، توکات، لیلارد، کلاکس، اودن، ایتاکورا و همکاران، ۲۰۰۵). در این بین توانایی همدلی^۶ از همکاری گرفته تا اقدامات بشر دوستانه و نوع دوستی نیز گسترش می‌یابند. انسان در توانایی خودآگاهی، در نظر گرفتن حالات ذهنی دیگران و شاید حتی آگاهی از دیدگاه‌های مختلف و نتایج حالات ذهنی، موجودی منحصر به فرد و خارق‌العاده محسوب می‌شود (هیر، ۲۰۰۷).

همدلی به عنوان یک مهارت بین‌فردی موفق و تبادلی (ایسنبرگ، گوثری، کومبرلند، مورفی، شپارد و همکاران، ۲۰۰۲)، دارای دو مؤلفه اصلی است: مؤلفه‌ی اول شامل تلاش شناختی در جهت دریافت

1. Perception of Equity
2. Fairness
3. Perspective-Taking
4. Equal Perspective
5. Sacrifice Behaviors
6. Empathy

دیدگاه شخص دیگر (دیدگاه فهمی) و مؤلفه‌ی دوم شامل درگیری در جهت درک هیجانات طرف مقابل است (هافمن، ۲۰۰۰؛ بلیر، ۲۰۰۵). دیدگاه فهمی به عنوان جنبه‌ی شناختی همدلی، توانایی درک جایگاه و موقعیت فرد دیگر (کورین، موس-راکوسین، جسیکو و دینا، ۲۰۱۰) و تمایل فرد برای پذیرش نقطه نظر، افکار، احساسات و نگرانی‌های دیگری (اپلی، کاروسو و بازرمن، ۲۰۰۶) یکی از ویژگی‌های مثبت افراد است که تعامل در روابط زوجی را تسهیل می‌کند (مارتین، سوکول و الفرز، ۲۰۰۸).

با وجود آنکه بیشتر مطالعات نشان داده که زنان مهارت بیشتری در دیدگاه فهمی دارند (هوکر، وروسکی، گرماین، نایت و اسپوسایتو، ۲۰۰۹؛ لانگ و اندروز، ۱۹۹۰)، ولی برخی یافته‌ها نشان داده‌اند توانایی دیدگاه فهمی شوهران در ازدواج مهم‌تر است. هیچ (۲۰۰۹) دریافت که رضایت زناشویی^۱ زنان همبستگی مثبتی با دیدگاه فهمی همدلانه شوهران آن‌ها دارد و از آن مهم‌تر اینکه رضایت زناشویی هم زنان و هم شوهران فقط به توانایی شوهر برای درک دیدگاه همسرش بستگی دارد. در ازدواج ممکن است شوهری با نظر همسرش موافق نباشد، اما با دیدگاه فهمی می‌تواند بگوید که این مشکل از کجا ناشی شده و این عامل باعث می‌شود احساس همسرش را در نظر بگیرد و تفاوت‌های به وجود آمده را بپذیرد (شی، وانگ، باچر و استاتزر، ۲۰۰۹). در مجموع این مطالعات نشان داده‌اند که در درون روابط زناشویی بیشتر دیدگاه فهمی و شیوه‌ای که شوهران با استفاده از آن با ابراز هیجانی برخورد می‌کنند، می‌تواند با پیامدهای زناشویی از جمله ادراک انصاف زنان مرتبط باشد (وان، ۱۹۹۹؛ هارباو، کراوس و لیدی، ۲۰۰۳؛ و تاکاگیشی و کامشیمایا، چوگ، کویزومی و یاماگیشی، ۲۰۱۰).

عامل دیگری که می‌تواند بر ادراک انصاف زنان تأثیر بگذارد، ایدئولوژی برابری جنسیتی^۲ شوهر است. ایدئولوژی جنسیتی به عنوان یک سازه چند بعدی محصول دوران کودکی و تجربه‌های بزرگسالی است و شامل اعتقاد به نگرش‌های مختلف زنان و شوهران نسبت به مسئولیت‌های داخلی^۳ (کینگ، ۲۰۰۵)، و همچنین شامل نگرش‌ها و رفتارها درباره‌ی آن چیزهایی است که متناسب با رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی شوهران و زنان در یک جامعه است (ساگیناک و ساگیناک، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد که هیچ مکانی به اندازه خانواده عرصه تقابل نقش‌های جنسیتی^۴ و انتظارات زناشویی نباشد. نقش‌های جنسیتی و انتظارات، نقش مهمی در تعامل زن و شوهر، تصمیم‌گیری برای خانواده، چشم‌اندازها، رضایت زناشویی (ژو و لای، ۲۰۰۲؛ ناتالیر، ۲۰۰۳) و درک عدالت حاصل از نقش‌ها (کالتران، ۲۰۰۰) دارد. یافته‌ها حکایت از آن دارد که ایده برابری جنسیتی نقش قابل توجهی در ادراک انصاف زنان ایفا می‌کند. در همین زمینه نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که شوهران با ایدئولوژی برابری جنسیتی مشارکت بیشتری در انجام کارهای منزل دارند، که این خود موجب می‌شود تا زنان رابطه را منصفانه تلقی کنند. (میلر، ۲۰۰۸).

-
1. Marital Satisfaction
 2. Egalitarian Gender Ideology
 3. Domestic Responsibilities
 4. Gender Rols

منصفانه‌تری دارند، بیشتر برای فرزندانشان وقت می‌گذارند و زنانشان در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر وارد می‌شوند و احساس انصاف و رضایت بیشتری را گزارش می‌کنند. از طرف دیگر ماژور (۱۹۹۳) نشان داد در صورتی که زنی در رابطه زناشویی احساس کند که پاداش‌هایش سازگار با انتظارات او بر اساس تجربه‌ی گذشته‌اش است، نابرابری را ناعادلانه نمی‌بیند. در واقع اگر یک زن به درستی معتقد باشد که زنان متأهل حتی زمانی که کارهای خارج از منزل را نیز بر عهده دارند، باید بخش عمده‌ای از کار خانه را نیز انجام دهند، آن زن این نابرابری را به عنوان نتیجه‌ای از فرایند عدالت می‌بیند نه بی‌عدالتی. همچنین خجسته مهر، جعفری نژاد و رجبی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان "اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف" به این نتیجه دست یافتند که ایده‌ی برابرنگر، رابطه‌ی چندانی با ادراک انصاف در زنان ندارد. آن‌ها دریافتند آنچه که باعث افزایش هماهنگی و رضایت زناشویی در زنان می‌شود، انصاف در روابط است نه برابری.

از دیگر عواملی که می‌تواند نقش مؤثری بر ادراک انصاف زنان دارد، رفتارهای فداکارانه^۱ شوهران در روابط زناشویی است. رفتارهای فداکارانه به عنوان تمایل به رها کردن منافع شخصی و آنی در جهت رفاه و آسایش شریک ارتباطی (ون لانگ، اگنیو، هارنیک و استیمرز، ۱۹۹۷) و از دست دادن چیزی با ارزش و مهم بخاطر فردی است که با ارزش‌تر و مهم‌تر است (لغت نامه انگلیسی جهانی انکار تا^۲، ۱۹۹۹؛ به نقل از هال و هال، ۲۰۱۱) و لازمه هر ارتباط صمیمانه محسوب می‌شود. از آنجایی که افراد در زندگی زناشویی همواره منافع^۳ و هزینه‌های^۴ خود را در نظر می‌گذارند و در بهترین روابط، به انصاف و برابری توجه می‌کنند (کلارک، لیمای، گراهام، پاتاکی و فینکل، ۲۰۱۰)، میزانی از فداکاری در هر رابطه زناشویی ضروری و لازم است (فیگرس، ۲۰۰۸). روابط زوجین در صورتی که هم زن و هم شوهر به رفتارهای مفیدی همچون فداکاری متمایل گردند، پربارتر و غنی‌تر خواهد شد (استانلی، ویتن، سدبری، کلمنتس و مارکمن^۵، ۲۰۰۶، به نقل از کوین، ۲۰۰۸).

با استناد به یافته‌های پژوهشی در زمینه روابط بین دیدگاه فهمی، برابرنگری، رفتارهای فداکارانه شوهران و ادراک انصاف زنان از یک سو و اهمیت نقش شوهران در زمینه‌سازی ادراک انصاف زنان در زندگی زناشویی از سوی دیگر، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی دیدگاه فهمی همسر، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران، با ادراک انصاف زنان بود. نتایج این پژوهش، که برای اولین بار پیش‌آیندهای ادراک انصاف زنان را به طور منسجم مورد بررسی قرار داد، به شناخت بیشتر و کامل‌تر روابط بین متغیرهای مذکور کمک می‌کند. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش عبارتند از: (۱) دیدگاه فهمی شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی مثبت دارد (۲) برابرنگری شوهران با ادراک انصاف زنان

-
1. sacrificing Behaviors
 2. Encarta World English Dictionary
 3. Inerests
 4. Costs
 5. Stanley, Whitton, Sadberry, Clements & Markman

همبستگی مثبت دارد (۳) رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی مثبت دارد (۴) دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان همبستگی چندگانه وجود دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان زن متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز بودند. تعداد ۲۵۰ زن از جمعیت عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز به صورت داوطلب در دسترس در این پژوهش شرکت کردند. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش، ب) سن (۲۰ تا ۴۰ سال)، ج) مدت ازدواج (حداقل ۲ سال)، د) نداشتن سابقه طلاق. پس از تشریح اهداف و آماده شدن داوطلبان برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها، مقیاس دیدگاه فهمی همسر^۱ (ODPT؛ لانگ، ۱۹۹۰)، مقیاس ایدئولوژی جنسیتی^۲ (GIM؛ ژو و لای، ۲۰۰۴)، سنجه ادراک رفتارهای فداکارانه^۳ (PSBM)، هارپر و فیگرس، ۲۰۰۸) و مقیاس ادراک انصاف^۴ (MEP؛ پری، ۲۰۰۴) در اختیار آنها قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. تعداد ۶ آزمودنی به دلیل پاسخ ناقص به مقیاس‌ها و نداشتن شرایط لازم از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب نمونه ی پژوهش به ۲۴۴ نفر تقلیل یافت. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۷/۱ سال با دامنه ۲۰ تا ۴۰ سال و انحراف استاندارد ۵/۰۹ بود. میانگین و انحراف استاندارد مدت ازدواج شرکت‌کنندگان به ترتیب ۵/۰۳ و ۴/۴۷ سال، با دامنه ۲ تا ۲۳ سال بود.

ابزار سنجش

مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT): مقیاس دیدگاه فهمی همسر توسط لانگ (۱۹۹۰) این مقیاس تهیه شد. یک ابزار ۲۰ سؤالی است که ادراک افراد از دیدگاه فهمی همسرشان را با به‌کارگیری عباراتی مانند (همسر من تنها به حرف‌های من گوش می‌دهد بلکه حقیقتاً با در نظر گرفتن موقعیت من آنها را درک می‌کند)، و (همسر من سعی می‌کند از طریق تصور کردن مسائل از دیدگاه من، مرا بهتر درک کند) می‌سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را با این عبارات در دامنه‌ای از ۰ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) بیان می‌کند. نمره‌ی بیشتر در این مقیاس نشان‌دهنده‌ی دیدگاه فهمی بیشتر همسر پاسخگو است (به نقل از خجسته مهر، سبحانی جو و رجبی (۱۳۹۲). لانگ (۱۹۹۰) پایایی و اعتبار این مقیاس را در سه مطالعه مورد بررسی قرار داد. وی در اولین مطالعه که بر روی ۸۸ نفر دانشجو انجام داد و آلفای

1. Other Dyadic Perspective-Taking
2. Gender ideology Measure
3. The Perception of Sacrifice Behaviors Measure
4. Measure of Equity Perceived

کرونباخ مقیاس دیدگاه فهمی همسر را ۰/۹۴ گزارش داد. ۱۲ هفته بعد وی این مقیاس را روی یک نمونه ۱۸۹ نفری که درگیر روابط عاشقانه بودند اجرا کرد و نتایج مشابه مطالعه اول بدست آمد. در مطالعه‌ی سوم لانگ که بر روی ۱۵۹ زوج انجام داد نشان داد که دیدگاه فهمی همسر با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت دارد. ضریب همبستگی بین ماده‌های این مقیاس با نمره کل آن را در دامنه‌ی ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش نمود. لانگ (۱۹۹۰) همچنین همبستگی آن با پرسشنامه همدلی هوگان^۱ را مثبت و معنی‌دار گزارش داد. خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود بر روی نمونه‌ای از معلمان متأهل شهر اهواز پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و روایی سازه این مقیاس را از طریق همبسته کردن آن با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، در سطح $p < ۰/۰۱$ ، ۰/۸۶ برآورد نمودند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی مقیاس دیدگاه فهمی همسر با استفاده از روش آلفای کرونباخ در نمونه‌ی ۲۴۴ نفری پژوهش حاضر، ۰/۸۸ محاسبه شد که نشان دهنده‌ی همسانی درونی قوی این مقیاس است. در این پژوهش از مقیاس دیدگاه فهمی همسر استفاده شده است.

مقیاس‌های دیدگاه فهمی زوجی^۲ (DPTS): لانگ در سال (۱۹۹۰)، مقیاس دیدگاه فهمی (PT) را که خرده‌مقیاسی از شاخص واکنش بین فردی (دیویس، ۱۹۸۰) است، برای اندازه‌گیری به دو مقیاس جداگانه در روابط زناشویی گسترش داد. یکی از این مقیاس‌ها، دیدگاه فهمی خود و دیگری مقیاس دیدگاه فهمی همسر است. ماده‌های اولیه این مقیاس شامل ۴۶ ماده بود که پس از تحلیل عوامل با چرخش واریماکس، تعداد ماده‌های آن به ۳۳ ماده کاهش یافت. ۱۳ ماده آن برای سنجش دیدگاه فهمی خود و ۲۰ ماده برای سنجش ادراک دیدگاه فهمی همسر است. مقیاس دیدگاه فهمی خود، شامل ماده‌هایی است که دیدگاه افراد را در روابط زوجی اندازه‌گیری می‌کند. همچنین مقیاس دیدگاه فهمی همسر شامل ماده‌هایی است که ادراک افراد تکمیل‌کننده و پرسشنامه را از میزان دیدگاه فهمی همسرشان می‌سنجد (یعنی اینکه از دیدگاه تکمیل‌کننده پرسشنامه همسرش چقدر دیدگاه فهم است). نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک درجه بندی بر اساس روش لیکرت در دامنه‌ی ۰ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم). نمره بیشتر در مقیاس اول نشان دهنده دیدگاه فهمی بیشتر خود و در مقیاس دوم نشان دهنده دیدگاه فهمی بیشتر همسر است. لانگ (۱۹۹۰) پایایی این دو مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ برای مقیاس دیدگاه فهمی خود ۰/۸۹ و برای مقیاس دیدگاه فهمی همسر ۰/۴ گزارش کرد. همچنین ضریب همبستگی بین ماده‌های این مقیاس‌ها با نمره کل آنها را در دامنه‌ی ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. همچنین همبستگی آن با پرسشنامه همدلی هوگان (۱۹۶۹) مثبت و معنی‌دار گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضرایب پایایی به روش بازآزمایی برای مقیاس دیدگاه فهمی خود و مقیاس دیدگاه فهمی همسر به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد. محاسبه روایی سازه از طریق همبسته کردن مقیاس‌های دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۳

-
1. Hogan
 2. Dyadic Perspective Taking Scale
 3. (Enriching and Nurturing Relationship)

(Enrich)، به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۶ (همگی در سطح معنی داری $P < ۰/۰۱$) به دست آمد. مقیاس ایدئولوژی جنسیتی (GIM): مقیاس ایدئولوژی جنسیتی، توسط ژو و لای (۲۰۰۴) ساخته شده و یک ابزار چهار سؤالی است که باورها و عقاید زن و شوهر را در مورد مسئولیت های زن و مرد با به کارگیری عباراتی مانند (مسئولیت شوهر نان آوری است در حالی که مسئولیت زن خانه داری است) می سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را با این عبارات در دامنه‌ای از ۱ (به شدت موافقم) تا ۵ (به شدت مخالفم) بیان می‌کند. سازندگان این پرسشنامه پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و روایی آن را ۰/۶۱ در سطح معنی داری $p < ۰/۰۰۰۱$ گزارش کردند. این مقیاس برای اولین بار توسط خجسته مهر، جعفری نژاد و رجبی (۱۳۹۱) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ برای نمونه زنان ۰/۸۵ و برای نمونه شوهران ۰/۸۲ گزارش کردند. همبستگی بین مقیاس ایدئولوژی برابری جنسیتی و مقیاس ایدئولوژی نقش جنسیتی در گروه زنان ۰/۵۸ و در گروه شوهران ۰/۶۶ در سطح معنی داری $p < ۰/۰۰۰۱$ به دست آمد. ضریب پایایی مقیاس ایدئولوژی جنسیتی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در نمونه ی ۲۴۴ نفری پژوهش حاضر، ۰/۷۲ محاسبه شد.

سنجه ادراک رفتارهای فداکارانه (PSBM): سنجه ادراک رفتارهای فداکارانه توسط هارپر و فیگرس (۲۰۰۸) تهیه شده و اولین بار توسط کاوند (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه رفتارهای فداکارانه، انگیزه های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش آموزان دبستانی شهر بروجرد" ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. آیت‌ها شامل رفتارهای فداکارانه خود و رفتارهای فداکارانه همسر طی شش ماه گذشته می‌باشند. این سنجه شامل ۵۰ سؤال است که ۲۵ سؤال اول شامل رفتارهای فداکارانه خود فرد و ۲۵ سؤال دوم در برگیرنده ادراک فرد از رفتارهای فداکارانه شریک زندگی‌اش می‌باشد. آزمودنی‌ها با استفاده از یک درجه‌بندی از نوع لیکرت در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) به سؤالات جواب می‌دهند. از آزمودنی سؤال می‌شود که آیا در صورت عدم تمایل به انجام کاری که همسرش خواهان انجام آن می‌باشد، آن کار را انجام می‌دهد یا خیر. نمره بالا دلالت بر فداکاری بیشتر دارد. فیگرس (۲۰۰۸) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برای شوهران ۰/۸۴ و برای همسران ۰/۸۱ برآورد کرده است. کاوند (۱۳۹۰) در پژوهشی پایایی ۲۵ سؤال اول این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ در شوهران ۰/۹۰ و در زنان ۰/۸۸، و ۲۵ سؤال دوم این مقیاس را هم در شوهران و هم در زنان ۰/۹۲ برآورد کرد. همچنین وی روایی سازی این مقیاس را با پرسشنامه کیفیت زناشویی نورتون^۱ (۱۹۸۳) در نمونه شوهران ۰/۵۵ و ۰/۶۵ و در نمونه زنان ۰/۵۱ و ۰/۶۸ گزارش نمود که همگی در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بودند. در پژوهش حاضر از ۲۵ سؤال دوم که ادراک فرد را از رفتارهای شریک زندگی‌اش می‌سنجد، استفاده شد که ضریب پایایی سنجه مذکور با استفاده از روش آلفای

1. Norton's Quality of Marriage Index (QMI)

کرونباخ در نمونه‌ی ۲۴۴ نفری، ۰/۹۰ محاسبه شد که نشان دهنده‌ی همسانی درونی قوی این مقیاس است.

مقیاس ادراک انصاف (MEP): مقیاس ادراک انصاف توسط پری (۲۰۰۴)، به نقل از خجسته مهر، فرامرزی و رجبی، (۱۳۹۱) تهیه شده است. این پرسشنامه شامل چهار سؤال است که ادراک انصاف را در چهار حیطه انجام کارهای خانه، کارکردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سؤالات این مقیاس به صورت طیف لیکرت (از نظر من خیلی غیر منصفانه) تا ۵ (از نظر شوهرم خیلی غیر منصفانه) نمره گذاری می‌شوند. پری (۲۰۰۴) پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده است. خجسته و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود روی نمونه‌ای از کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز، پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و به روش تنصیف ۰/۸۲ و روایی سازه آن را با استفاده از پرسشنامه ۱۰ سؤالی رضایت زناشویی انریچ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ ، ۰/۶۶ گزارش کردند. ضریب پایایی مقیاس ادراک انصاف با استفاده از روش آلفای کرونباخ در نمونه‌ی ۲۴۴ نفری پژوهش حاضر، ۰/۶۹ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به دیدگاه‌فهمی، برابرنگری، رفتارهای فداکارانه و ادراک انصاف را در نمونه‌ی پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۱

میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کنندگان در مورد دیدگاه‌فهمی، برابرنگری، رفتارهای فداکارانه و ادراک انصاف

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
ادراک انصاف	۱۷/۹۹	۲/۸۱	۴	۲۰
دیدگاه‌فهمی	۵۱/۸۱	۱۱/۷۴	۱۵	۹۱
برابرنگری	۱۱/۹۴	۳/۵۶	۴	۲۰
رفتارهای فداکارانه	۹۱/۸۶	۱۳/۳۸	۵۵	۱۱۹

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زنان در متغیر ادراک انصاف به ترتیب ۱۷/۹۹ و ۲/۸۱، متغیر دیدگاه‌فهمی ۵۱/۸۱ و ۱۱/۷۴، متغیر برابرنگری ۱۱/۹۴ و ۳/۵۶، متغیر رفتارهای فداکارانه ۹۱/۸۶ و ۱۳/۳۸ می‌باشد.

جدول ۲ همبستگی بین دیدگاه‌فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه با ادراک انصاف را نشان می‌دهد.

جدول ۲

ضریب همبستگی دیدگاه فهمی، برابر نگری، رفتارهای فداکارانه و ادراک انصاف زنان

P	ادراک انصاف زنان	متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۴۰**	دیدگاه فهمی
۰/۰۰۱	-۰/۲۱**	برابرنگری
۰/۰۰۰	۰/۴۷**	رفتارهای فداکارانه

همان گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، ادراک انصاف زنان با دیدگاه فهمی و رفتارهای فداکارانه رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد، اما بین ادراک انصاف و برابرنگری رابطه‌ی منفی وجود دارد، بنابراین فرضیه‌های ۱ و ۳ پژوهش حاضر تأیید و فرضیه‌ی ۲ پژوهش رد می‌شود. ضریب همبستگی بین دیدگاه فهمی و رفتارهای فداکارانه با ادراک انصاف به ترتیب ۰/۴۰ و ۰/۴۷ است که همگی در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار هستند، همچنین ضریب همبستگی بین برابرنگری با ادراک انصاف زنان $-۰/۲۱$ بدست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود.

جدول ۳

ضرایب رگرسیون چندگانه بین متغیرهای رفتارهای فداکارانه، دیدگاه فهمی و برابرنگری با ادراک انصاف به روش همزمان (Enter)

ضرایب رگرسیون (β) و (B)			نسبت F	RS	MR	متغیرهای پیش‌بین
رفتارهای فداکارانه			احتمال p			
	$\beta = ۰/۴۷$		$F = ۷۰/۶۲$	۰/۲۲	۰/۴۷	رفتارهای فداکارانه
	$B = -۰/۱۰$		$p = ۰/۰۰۰$			
	$t = ۸/۴۰$					
	$p = ۰/۰۰۰$					
	$\beta = ۰/۳۷$		$F = ۳۷/۴۴$	۰/۲۳	۰/۴۸	دیدگاه فهمی
	$B = ۰/۰۸$		$p = ۰/۰۰۰$			
	$t = ۴/۹۹$					
	$p = ۰/۰۰۰$					
	$\beta = ۰/۳۵$		$F = ۲۸/۶۳$	۰/۲۶	۰/۵۱	برابرنگری
	$B = -۰/۰۷$		$p = ۰/۰۰۰$			
	$t = ۴/۷۳$					
	$p = ۰/۰۰۰$					
	$\beta = -۰/۱۴$					
	$B = ۰/۰۳$					
	$t = ۱/۸۸$					
	$p = ۰/۰۶$					
	$\beta = -۰/۱۶$					
	$B = -۰/۱۲$					
	$t = -۲/۹۴$					
	$p = ۰/۰۰۴$					
	$\beta = ۰/۱۴$					
	$B = ۰/۰۳$					
	$t = ۲$					
	$p = ۰/۰۴$					

نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ی ۴ در جداول ۳ و ۴ مشخص شده است.

مطابق اطلاعات مندرج در جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای رفتارهای فداکارانه، دیدگاه فهمی، برابرنگری با ادراک انصاف برابر $MR = ۰/۵۱$ است که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنی دار است. به عبارتی ۲۶ درصد واریانس مربوط به ادراک انصاف زنان به وسیله‌ی

متغیرهای مذکور تبیین می‌شود. همانطور که مشاهده می‌شود، متغیرهای رفتارهای فداکارانه با ضریب بتا $\beta=0/47$ ، دیدگاه فهمی با ضریب بتا $\beta=0/14$ و برابرنگری با ضریب بتا $\beta=-0/16$ معنی‌دار می‌باشند و پیش‌بین ادراک انصاف هستند.

جدول ۴

ضریب همبستگی چندگانه بین رفتارهای فداکارانه، برابرنگری و دیدگاه فهمی با ادراک انصاف به روش گام به گام (stepwise)

ضرایب رگرسیون (β) و (B)			نسبت F احتمال p	RS	MR	متغیرهای پیش‌بین
دیدگاه فهمی	برابرنگری	رفتارهای فداکارانه				
		$\beta=0/47$ B = 0/10 t = 8/40 p = 0/000	F = 70/62 p = 0/000	0/22	0/47	رفتارهای فداکارانه
	$\beta=-0/16$ B = -0/12 t = -2/85 p = 0/005	$\beta=0/45$ B = 0/09 t = 8/15 p = 0/000	F = 40/44 p = 0/000	0/25	0/50	برابرنگری
$\beta=0/15$ B = 0/03 t = 2 p = 0/04	$\beta=-0/16$ B = -0/12 t = -2/94 p = 0/004	$\beta=0/35$ B = 0/07 t = 4/73 p = 0/000	F = 28/63 p = 0/000	0/26	0/51	دیدگاه فهمی

بحث

در این پژوهش ابتدا رابطه‌ی دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران با ادراک انصاف زنان مشخص و سپس ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای مذکور در پیش‌بینی ادراک انصاف زنان بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه فهمی شوهران با ادراک انصاف زنان رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. این نتیجه که فرضیه یک پژوهش را تأیید می‌کند و با یافته‌های قبلی (کارن و مارتین، ۲۰۰۲؛ وان، ۱۹۹۹؛ هارباو، کراوس و لیدی، ۲۰۰۳؛ تاکاگیشی و کامشیمایا، چوگ، کویزومی و یاماگیشی، ۲۰۱۰) مطابقت دارد، برحسب احتمالات زیر تبیین می‌شود:

از آنجایی که در زندگی زناشویی، زن نگرانی بیشتری در مورد هزینه و پاداش‌های خود در تعامل با شوهرش از خود نشان می‌دهد (کلارک و همکاران، ۲۰۱۰)؛ زمانی که احساس کند شوهرش قادر است در موقعیت‌های دشوار، مبهم و مسائل روزمره زندگی خود را جای او گذاشته و از دید وی به مواضع زندگی بنگرد، احساس حمایت کرده و بیشتر احتمال دارد تعامل مثبت داشته باشد (وان، ۱۹۹۹).

همچنین، توانایی درک شوهر به ویژه در زمان تعارضات، رضایت‌مندی بالای زن را پیش بینی کرده و مطابق با نظریه‌ی تبادل اجتماعی (خجسته مهر، ۱۳۸۴) هرگاه زنی احساس کند کاری را که انجام می‌دهد نسبت به پاداش آن هزینه‌ی بالاتری را تقبل می‌شود، احساس عدم انصاف کرده و آن را ناعادلانه می‌بیند، در نتیجه ناراضی و ناخشنود می‌گردد. اما اگر احساس کند همسرش او را درک کرده و قادر است دیدگاه او را در وضعیت‌های تعاملی و چالش برانگیز زندگی زناشویی بفهمد در این صورت شوهر خود را به عنوان فردی حمایت‌گر در نظر گرفته و سیستم زناشویی را سیستمی پاداش‌دهنده فرض می‌کند که می‌تواند نسبت هزینه و پاداش وی را در زندگی زوجی در حالت تعادل و توازن نگه دارد، در نتیجه احساس عدالت و انصاف می‌کند (کارن و مارتین، ۲۰۰۲).

نتایج در زمینه‌ی رابطه بین برابرنگری شوهران با ادراک انصاف زنان نشان داد که برخلاف انتظار بین این دو متغیر رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه بر خلاف نتایج حاصل از پژوهش‌های والاس و ولف (۱۹۸۶)؛ پیمنتل (۲۰۰۰)؛ میلر (۲۰۰۸)؛ کافمن (۲۰۰۰) می‌باشد. اما با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط فوری، لسلو و لتیک (۲۰۰۷)؛ هرزگوگ (۲۰۰۷)؛ گرین استین (۱۹۹۶)؛ ماژور (۱۹۹۳)؛ بلیر و جانسون (۱۹۹۲)؛ فیلی، استارنس و آوارز (۱۹۸۵)؛ خجسته مهر، جعفری نژاد و رجبی (۱۳۹۱) مطابقت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت برابری در مفهوم عینی‌اش، تساوی مطلق میان دو چیز است، به عبارت دیگر برابری، ایده‌ای بر پایه‌ی اعتقاد به همانند بودن مطلق انسان‌ها و در نتیجه، نادیده انگاشتن تفاوت‌های میان دو جنس و لزوم رفتار یکسان با آن‌ها است. به عنوان مثال، اعتقاد به اینکه در زندگی زناشویی هیچ‌گونه تفاوتی بین زن و مرد از لحاظ حقوق و تکالیف وجود ندارد؛ حال اینکه عدالت یعنی ایجاد تعادل و توازن میان دو چیز مختلف با ظرفیت‌های گوناگون است (مطهری، ۱۳۷۴). لذا با این تفاسیر می‌توان چندین تبیین برای یافته‌ی به دست آمده لحاظ کنیم.

فقها و محققان با بیان این نکته که در اسلام بر اشتراک و برابری زن و مرد از لحاظ کرامت انسانی و پاداش اخروی تأکید شده است و درباره‌ی احکام نابرابر در حق زن و مرد، با الهام از احادیث، به حکمت تشریحی احکام توجه کرده و این نابرابری را ناشی از تفاوت‌های غریزی و طبیعی اعم از جسمی و روانی میان آن دو دانسته‌اند. به عبارت دیگر، از نظر فقها وجود این تفاوت‌ها لازمه‌ی عدالت است. به عقیده‌ی آنان ویژگی‌های طبیعی، اعم از جسمی و روانی در هر یک از این دو جنس، موجب شده است که شوهر در وظایفی مانند تأمین نفقه خانواده، جهاد، قضاوت، شهادت و طلاق، نقش بیشتر یا انحصاری داشته باشد و در برابر، حق دخالت زن در حضانت و تربیت فرزند افزایش یافته است. بنابر این، برابری در نظام حقوقی و فقهی اسلام با برابری مطلق بین زن و مرد متفاوت است. برابری مد نظر اسلام تحت شعاع اصلی مهم‌تر و اساسی تر، یعنی عدالت قرار دارد؛ زیرا هدف نهایی از آمدن پیامبران و تنها عامل اصلاح جامعه از نگاه دینی تحقق قسط و عدالت اجتماعی است. بنابر این، از آنجا که برابری از نظر دانشمندان اسلامی از لوازم و شاخه‌های عدالت است، آنچه در مرحله‌ی وضع قوانین اهمیت می‌یابد، تحقق عدالت

حقوقی و ایجاد تعادل میان حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیف هر فرد است نه برابری مطلق همه‌ی حقوق و تکالیف نسبت به تمامی افراد. در تطابق با این دیدگاه، برابرنگر بودن مرد به معنی نادیده انگاشتن تفاوت‌های ذاتی بین زن و شوهر است که نتیجه‌ی آن عدم توازن هزینه و پاداش زن در زندگی زناشویی و احساس عدم انصاف است. از سویی، نابرابری به صورت مشهود در خانواده وجود دارد و این نابرابری بخش لازمی از بقای یک خانواده محسوب می‌گردد، چرا که فرصتی به منظور رشد دادن استعدادها فراهم می‌کند.

همچنین مطابق با دیدگاه جنسیتی (تارک، ۲۰۰۹)، وظایف در درون خانه به راحتی به عنوان زنانه و شوهرانه دسته‌بندی شده‌اند و هر جنس مطابق با ظرفیت‌های غریزی اعم از جسمی و روانی، طبیعی و جنسیتی، حقوق و تکالیفی دارد. از طرف دیگر بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی (به نقل از خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۱)، افراد هنگامی که رفتار نامتناسب با جنسیت خود نشان دهند، پاداش دریافت نمی‌کنند. با این تفاسیر اگر در زندگی زناشویی مرد دید کاملاً برابر در مورد وظایف و تکالیف هریک از زوجین داشته باشد و این ایده را در زندگی زناشویی اجرا نماید، در آن صورت زن متناسب با هزینه‌های خود پاداشی دریافت نخواهد کرد، چرا که در این وضعیت تقسیم وظایف در زندگی دیده نخواهد شد و زن تکالیفی فراتر از ظرفیت‌های خود انجام خواهد داد، در نتیجه احساس بی‌عدالتی می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه فهمی شوهران با ادراک انصاف زنان رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. این نتیجه که فرضیه سه پژوهش را تأیید می‌کند و با یافته‌های قبلی (فیگرس، ۲۰۰۸؛ کوین، ۲۰۰۸؛ ونلانگ و همکاران، ۱۹۹۷؛ استنلی و مارکمن، ۱۹۹۲؛ کاوند، ۱۳۹۰) مطابقت دارد، برحسب احتمالات زیر تبیین می‌شود:

همانگونه که پیشتر از این مطرح شد در بحث انصاف و تفاوت‌های جنسیتی مشخص گردید که زنان حساسیت بیشتری به مسئله انصاف در رابطه‌ی زناشویی نشان می‌دهند. در همین زمینه نظریه وابستگی متقابل (ون لانگ و همکاران، ۱۹۹۷)، بیان می‌کند که هر فرد در تعامل با همسر خود، نه تنها بر پیامدها و منافع خود بلکه بر پیامدهای مرتبط با همسرش نیز تأثیرگذار است. بنابراین اگرچه هر فرد برای به حداکثر رساندن پاداش‌ها و منافع خود تلاش می‌کند، در همین حال، بایستی به منافع و پاداش‌های همسرش نیز اهمیت دهد. بنابراین، اگر یکی از طرفین رابطه از منافع کمتری برخوردار باشد (هزینه بیشتر در مقابل پاداش کمتر) احساس عدم انصاف می‌کند. در این زمان، طرف مقابل با چشم پوشی از علایق و خواسته‌های خود و از خودگذشتگی و فداکاری، زمینه را برای افزایش منافع همسرش فراهم می‌کند و در عدالت در رابطه جایگزین رفتارهای خودخواهانه می‌شود (اندرسون و ساباتلی، ۲۰۰۷).

نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه فهمی، برابرنگری و رفتارهای فداکارانه شوهران بخشی از واریانس ادراک انصاف زنان را تبیین می‌کنند. نتیجه به دست آمده گویای این نکته است که ادراک انصاف زنان منوط به دیدگاه فهمی و رفتارهای فداکارانه بیشتر و برابرنگری کمتر شوهران در زندگی زناشویی است. در خصوص تبیین نتیجه‌ی به دست آمده از این فرضیه می‌توان به خلاصه‌ای از مهم‌ترین

ویژگی‌های هریک از متغیرهای پیش‌بین که می‌تواند زمینه‌ی ادراک انصاف را در زنان به وجود آورد، اشاره نمود. درک نگرانی، نیازها، علایق و خواسته‌های همسر (لانگ و آندروس، ۱۹۹۰)، بهبود نگرش مثبت نسبت به همسر (گالینسکی، کو و وانگ، ۲۰۰۵)، درک تشابهات و تفاوت‌های بین زوجین (شی، وانگ، باچر و استاتزر، ۲۰۰۹)، عملی، اخلاقی و مشخص بودن تکالیف هریک از زوجین (گلباج، ۲۰۰۴)، تقسیم عادلانه وظایف به صورت زنانه و شوهرانه در زندگی (تارک، ۲۰۰۹)، فداکاری و چشم پوشی از نیازهای خود (کونین، ۲۰۰۸)، تقویت حس امنیت و ایمنی برای همسر (استانلی، مارکمن و ویثمن، ۲۰۰۲)، می‌توانند زمینه‌ی ادراک انصاف از سوی زنان را فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

از دستاوردهای این پژوهش می‌توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح نتیجه‌گیری کرد: در سطح نظری نتایج این پژوهش می‌تواند نتایج پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی را مطرح سازد و با بررسی عوامل تأثیرگذار بر ادراک انصاف زنان کمک شایانی به پیشبرد اهداف علمی کند و زمینه را برای پژوهش‌ها و تحقیقات بعدی فراهم آورد و به عنوان الگو و ابزار سودمندی در پژوهش‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد. در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند مبنای تجربی مناسبی برای تدوین برنامه‌های آموزشی به خانواده‌ها، اجرای طرح‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی شوهران در خصوص شیوه‌ی تعامل مثبت با همسرانشان فراهم آورند. محدودیت جامعه‌ی آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم یافته‌ها و تفسیرها مطرح می‌کند که بایستی در نظر گرفته شوند. نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه از جمعیت دانشجویی بوده که به طور داوطلب و در دسترس در پژوهش شرکت کرده‌اند و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. بنابر این پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره‌ی تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در نمونه وسیع‌تر و سایر جمعیت‌های کشور نیز تکرار گردد.

منابع

- خجسته مهر، رضا (۱۳۸۴). بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز. پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خجسته مهر، رضا؛ جعفری نژاد، لیلا و رجبی، غلامرضا (۱۳۹۱). اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی گری ادراک انصاف (عدالت). مجله دستاوردهای روان شناختی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۵۹.
- خجسته مهر، رضا؛ فرامرزی، سحر و رجبی، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی. مطالعات روان شناختی، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۵۰-۳۲.
- خجسته مهر، رضا؛ سبحانی جو، شمسعلی و رجبی غلامرضا (۱۳۹۲). اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی: آزمون یک مدف میانجی. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۵۲-۱۲۹.
- کاوند، مهتری (۱۳۹۰). بررسی رابطه رفتارهای فداکارانه، انگیزه های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر بروجرد. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کرو، مایکل؛ ریدلی، جین (۲۰۰۰). زوج درمانی کاربردی. ترجمه اشرف سادات موسوی (۱۳۸۸). چاپ دوم، تهران: انتشارات کاویان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ بیست و یکم، قم: انتشارات صدرا.

Anderson, S. A., & Sabatelli, R. M. (2007). *Family interaction: A multigenerational developmental perspective*. Boston: Allyn and Bacon.

Blair, L., & Johnson, P., M. (1992). Wive's perceptions of the fairness of the division of household labor. *Journal of Marriage and the Family*, 54, 570-581.

- Blair, R. J. (2005). Responding to the emotions of others: dissociating forms of empathy through the study of typical and psychiatric populations. *Conscious*, 14, 698–718.
- Callaghan, T., Tochat, P., Lillard, A., Claux, M. L., Odden, H., Itakura, S., et al. (2005). Synchrony in the onset of mental-state reasoning: Evidence from five cultures. *Psychological Science*, 16, 378–384.
- Clark, M. S., Lemay, E. P., Graham, S. M., Pataki, S. P., & Finkel, E. J. (2010). Ways of giving and receiving benefits in marriage: Norm use and attachment related variability. *Psychological Science*, 21, 944–951.
- Coltrane, S. (2000). Research on Household Labor: Modeling and Measuring the Social Embeddings of Routine Family Work. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1208-1233.
- Corrine, A., Moss-Racusin, Jessica, J. G., & Diana, T. S. (2010). Impact of Collective Gender Identity on Relationship Quality: When Men Feel Devalued. *Psychology of Men & Masculinity*, 1, 65-75.
- Demaris, A. (2007). The role of relationship inequity in marital disruption. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2, 177-195.
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K., Cumberland, A., Murphy, B. C., Shepard, S. A., Zhou, O., et al. (2002). Prosocial development in early adulthood: A longitudinal study. *Journal of Psychol.* 82, 993–1006.
- Epley, N., Caruso, E. M., & Bazerman, M. H. (2006). When perspective taking increases taking: Reactive egoism in social interaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 872–889.
- Figuerres, K. SH. (2008). *Sacrifice in marriage: Motives, behaviors, and outcomes*. Brigham Young University.
- Finley, B., Starnes, C. E., & Alvarez, F. B. (1985). Recent changes in sex-role ideology among divorced men and women: Some possible causes and implications. *Sex Roles*, 12, 637-653.
- Forry, N. D., Leslie, L. A., & Letiecq, B. L. (2007). Marital quality in relationship The role of sex rele ideology and perceived fairness. *Journal of Family Issues*, 12, 1538-1552.

- Galinsky, A. D., Ku, G., & Wang, C. S. (2005). Perspective-taking: Fostering social bonds and facilitating social coordination. *Group Processes and Intergroup Relations*, 8, 109–125.
- Gehlbach, H. (2004). A new perspective on perspective-taking: multidimensional approach to conceptualizing an aptitude. *Educational Psychology Review*, 16, 207- 234.
- Greenstein, T. N. (1996). Husbands participation in domestic labor: interactive effects of wives and husbands gender ideologies. *Journal of Marriage and Family*, 58,585-595.
- Hall, M. & Hall, J.(2011). Sacrifice and Marital Satisfaction. *Ideas and Research*, 20, 1-5.
- Harbaugh, W. T., Krause, K., & Liday, S. G. (2003). *Bargaining by children*. University of Oregon Economics Working Paper No. 2002–2004.
- Hare, B. (2007). From nonhuman to human mind: What changed and why? *Current Directions in Psychological Science*, 16, 60–64.
- Harper, J. M., & Figurers, K. S. (2008). *Perception of sacrifice scale*. Unpublished measure. Brigham Young University, Provo, UT.
- Hatch, D. L.(2009). Factors that influence the association between adult attachment and marital satisfaction. *Abstracts International*, 69, 6413.
- Herzog,S.(2007). Public perceptions of sexual harassment: An empirical analysis in australia from consensus and feminist theoretical perspectives. *Sex Roles*, 57, 579-592.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and Moral Development: Implications for Caring and Justice*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Hooker, C. I., Verosky, S. C., Germine, L. T., Knight, R. T., & Esposito, M. (2009). Neural activity during social signal perception correlates with self-reported empathy. *Brain Research*, 1308, 100-113.
- Impett, E. M., Gable, S. L., & Peplau, L. A. (۲۰۰۵). Giving up and giving in: The costs and benefits of daily sacrifice in intimate relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89(3), ۳۴۴–۳۲۷.

- Karen, M. P., & Martin, A. N. (2002). Empathy Leads to Fairness. *Bulletin of Mathematical Biology*, 64, 1101–1116.
- Kaufmann, G. (2000). Do gender role attitudes matter? Family formation and dissolution among traditional and egalitarian men and women. *Journal of family issues*, 1, 128- 144.
- Kevin, Sh., F. (2008). Sacrifice in Marriage: Motives, Behaviors and Outcomes. *Marriage and Family Therapy*, Brigham Young University.
- King, J. J. (2005). Gender ideology: Impaction dual-career couple's role strain, marital satisfaction and life satisfaction. *The thesis of PhD in philosophy*. University of Texas.
- Lambert, E. (2003). Justice in corrections: An exploratory study of the impact of organizational justice on correctional staff. *Journal of Criminal Justice*, 31, 155–168.
- Locke, H. J., & Williamson, R. C. (1985). Marital adjustment: A factor analysis study. *American Sociological Review*, 23, 562-569.
- Long, E., & Andrews, D. (1990). Perspective-taking as a predictor of marital adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
- Long, E. C. J. (1990). Measuring dyadic Perspective-Taking: Two scales for Assessing Perspective-Taking in marriage and similar dyads. *Journal of Educational and Psychological measurement*, 50, 90-105.
- Major, B. (1993). Gender entitlement and the distribution of family labor. *Journal of Social Issues*, 49, 141-160.
- Martin, J., Sokol, B., & Elfers, T. (2008). Taking and coordinating perspectives: From perfective interactivity, through reflective inter subjectivity, to met reflective sociality. *Human Development*, 51, 294-317.
- Miller, R.B. (2008). Who is the boss? Power relationship in families. *BYU Conference on Family life*, Brigham Young University.
- Natalier, K. (2003). Doing gender and doing housework in the absence of woman. *Journal of Sociology*, 3, 253-269.
- Perry, B. J. (2004). The relationship Between equity and marital quality among Hispanic, Africans and American and Caucasian. *The thesis of PhD in philosophy*. University of Ohio State.

- Pimentel, E. E. (2000). Just how do I love thee?: Marital relations in urban china. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 32-47.
- Saginak, K. A., & Saginak, M. A. (2005). Balancing Work and family: Equity, gender and marital satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 13, 162-166.
- Shih, M., Wang, E., Bucher, A. T., & Stotzer, R. (2009). Perspective taking: Reducing prejudice towards general outgroups and specific individuals. *Group Processes & Intergroup Relations*, 12, 565-577.
- Stanley, S. M., & Markman, H. J. (1992). Assessing commitment in personal relationships. *Journal of Marriage and the Family*, 54, 595-608.
- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. (2002). Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, 41, 659-675.
- Sullivan, C. M. (2008). The role of communication, Life role commitments, and sexist ideologies in dual-earner marriages. *The thesis of PhD in philosophy*. University of Maryland.
- Takagishi, H., Kameshima, S., Schug, J., Koizumi, M., & Yamagishi, T. (2010). Theory of mind enhances preference for fairness. *Journal of Child Psychology*, 105, 130-137.
- Turk, J. K. (2009). The Division of household labor among dual-earner Couples distinguishing characteristics of egalitarian couple. *The thesis of PhD in philosophy*. University of brandesis.
- Van, B. K. (1999). What are we talking about when we talk about novoice procedures? On the psychology of the fair outcome effect *Journal of Experimental Social Psychology*, 35, 560-577.
- Van Lange, P. A. M., Agnew, C. R., Harinck, R., & Steemers, G. E. (1997). From game theory to real life: How social value orientation affects willingness to sacrifice in ongoing close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1330-1344.
- Wallace, R. A. & Wolf, A. (1986). *Contemporary Sociology Theory*. Prentice-Hall, New York.
- Xu, X., & Lai, S. C. (2002). Resources, gender ideologies and marital power. *Journal of Family*, 2, 209-245.